

درباره توافق نامه هسته‌ای

بالاخره بعد از سالها کشمکش جمهوری اسلامی با کشورهای ۵+۱ برسر برنامه هسته‌ای ایران، در روز سه شنبه ۲۳ تیرماه این مذاکرات به پایان رسید. و طرفین اعلام کردند که به یک توافقنامه جامع دست یافته اند.

اکنون دیگر بر همه دنبال کنندگان جریان مذاکرات روشن است که این مذاکرات بیش از سه سال قبل میان نمایندگان ایالات متحده آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی به صورت محرمانه جریان داشت و بعد از توافقات کلی در این مذاکرات بود که شکل علنی آن در لوزان و وین با گروه ۵+۱ ادامه یافت تا سرانجام به توافقات اخیر منجر شد.

باتوجه به وضعیت داخلی ایران و آشنائی با استراتژی آمریکا و متحدان آن در خاورمیانه از قبل حصول توافق بین جمهوری اسلامی و گروه ۵+۱ در راس آن آمریکا، قابل پیشبینی بود. این هم روشن است که توافق نامه وین جام زهر دیگری است که نظام جمهوری اسلامی برای بقای خود ناگزیر از به سرکشیدن آن شده است. اما آنچه که حائز اهمیت است و برماهیت واقعی اجبار رژیم بر امضای چنین توافقنامه‌ای سرپوش میگذارد، ایجاد فضای گسترده تبلیغاتی بی سابقه برای جا انداختن آن بمثابه توافقی با نتیجه «برد- برد» در افکار عمومی می باشد.

این درحالی است که مفاد انتشار یافته «توافق جامع» مبین این واقعیت است که این مذاکرات و نتایج آن نه تنها دارای برآمدی «برد- برد» نیست بلکه جمهوری اسلامی تن به توافقنامه دیکته شده ای داده است که قبل از آن به هیچ عنوان حاضر به پذیرش خیلی از مفاد آن نبود و آنها را جزء خط قرمزهایی میدانست که مذاکره کنندگان حق خروج از آن را نداشتند. درعین حال این مذاکرات به همین توافقنامه اعلام شده هم محدود نمیشود و عرصه های دیگری را دربرمیگیرد و مقاصد را دنبال میکند که طرفین حاضر به افشای آن نیستند.

اما رژیم جمهوری اسلامی که زیر فشار شدید تحریمهای اقتصادی و وضعیت انفجار آمیز جامعه و برای تثبیت موقعیت خود به پای این مذاکرات و امضای توافقنامه مذکور کشانده شد، مدعی است که با نتیجه «برد- برد» پیروز این مذاکرات بوده است و با وعده و وعید های توخالی می خواهد مردم را به بهبود زندگی شان در آینده امید وار سازد. واقعیت امر این است که پیروزی مورد نظر سردمداران رژیم چیزی نیست جز بدست آوردن امکان تداوم حاکمیت بر اساس بده و بستان با آمریکا و قدرت های غربی در منطقه و ایران، و باز ترشدن دست صاحبان قدرت و ثروت در چپاول دسترنج توده های کار و زحمت. و از طرفی آمریکا و متحدان آن نیز در شرایط کنونی برای شکل دادن به استراتژی خاورمیانه ای خود و روند تسلط بر منابع مواد خام و بازار کار و کالا و رقابت با قدرت های نوظهور منطقه این مذاکرات را مغتنم شمردند تا با دیکته کردن خواست های خود به اهداف سلطه طلبانه خویش جامه عمل ببوشانند. علاوه بر پرتکل الحاقی، و قراردادهای محرمانه که رژیم راجع به افشای آنها هشدار داده است اساساً آنچه محدودیت ها و بازرسیهای بدون اعلام قبلی در بند بند توافقنامه گنجانده شده است که در صورت کوچکترین تخلف تحریمهای تعلیق شده بی درنگ به اجرا گذاشته خواهند شد و مسئله مهم اینجا است که کشف تخلف و نتیجه هر «راستی آزمائی» اهرمهای مهمی هستند در دست امپریالیسم آمریکا که بوسیله آن

هرگاه که منافع شان ایجاب کند برای دخالت گری در اوضاع سیاسی و تحولات اجتماعی ایران میتوانند این اهرمها را به کارگیرند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست همانطور که بارها اعلام کرده است، فشار تحریم های اقتصادی در حالی که جیب صاحبان قدرت و ثروت را پرترمیکرد اما فشار اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی آن تماما بردوش طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه قرار داشت و این تحریمها درکنار سیاست های اقتصادی اعمال شده توسط رژیم تاکنون زندگی میلیونها نفر از زحمتکشان جامعه را به فلاکت سوق داده است و به همین خاطر خواهان برچیده شدن آنها بوده ایم. اکنون رژیم اسلامی تحت فشار اجتماعی ناشی از تحریمها مجبور شده است بخش مهمی از صنایع هسته ای را که میلیاردها دلار صرف آن کرده بود با صرف هزینه ای بمراتب بیشتر برچیند و به قرارداد خفت بار اعمال شده از سوی امپریالیستها که ناشی از سیاست نابخردانه خود آنها بوده است، تن دردهد.

ما معتقدیم که بحران هسته ای و تحریمهای اقتصادی یکی از ابزارهای موثر رژیم برای انحراف افکار عمومی از مشکلات داخلی و ابزاری برای تظاهر به استکبار ستیزی به کار گرفته میشود که اکنون به طرز خفت باری به کنار نهاده شده و حداقل در کوتاه مدت این حربه تبلیغاتی و نیز شبیح جنگ و ویرانی از بالای سر زحمتکشان کنار رفته است و دوران دادن وعده و وعید ها و موکول کردن خواست ها و مطالبات کارگران و زحمتکشان به حصول توافق هسته ای و برداشته شدن تحریمها دیگر کارساز نیست. اکنون کارگران ، زحمتکشان که به بهانه بحران هسته ای و تحریمها و خطر جنگ و غیره ماه ها از پرداخت بموقع حقوق شان امتناع کردند، میلیونها بیکار و افشار محروم جامعه که از گرانی، بیکاری، بی مسکنی و فقر ونداری دررنج و عذابند، خواهان تحقق خواست ها و مطالبات برحق شان خواهند بود. دوران پس از خاتمه تحریمها بدون شک با گسترش مبارزات طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم برای رسیدن به خواست های اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی شان توأم خواهد بود. درعین حال نباید فراموش کرد که هجوم سرمایه گزاران خارجی به اجرای سیاست های اقتصادی نئولیبرالیستی (برنامه ریاضت اقتصادی) که از سالها قبل آغاز شده است سرعت خواهد داد و برای سرمایه داران داخلی و خارجی باید زمینه سرمایه گذاری فراهم شده و سودآوری آنها تضمین گردد. بنابراین خصوصی سازیها ، اخراجهای دسته جمعی ، قراردادهای موقت، شرکت های اجاره دهنده نیروی کار ، انجماد دستمزد ها محدود تر شدن شمولیت بیمه های اجتماعی ، افزایش سن بازنشستگی ادامه خواهد یافت. سرمایه داران و چپاولگران، نیروی کار ارزان و کارگر خاموش میخواهند. رژیم جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاست اقتصادی خود از پشتیبانی دول غرب برخوردار است و این بار بادغده کمتری به ابزار فریب و سرکوب جنبشهای اجتماعی ، بویژه جنبش کارگری متوسل خواهد شد. اما وجه دیگر رویدادهای پسا بحران هسته ای و تحریم ، اوج گیری جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی خواهد بود که در برابر تعرض سرمایه داران و دولت به مقاومت و مبارزه ای گسترده تر و شدید تر برخوانند خواست.

با توجه به تحولات پیش روی و عدم تحقق وعده های روحانی در زمینه بهبود اقتصادی و اجتماعی، مبارزات کارگران و زحمتکشان جامعه به ناگزیر از حالت تدافعی فعلی بیرون خواهد آمد و مبارزات صنفی و اقتصادی به مبارزات سیاسی و تعرضی فراخواهد روئید. باید تلاش کنیم با تدارک لازم و بسیج بیشترین نیرو با کارآگاهگرانه و سازمانگرانه در بین طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه به پیشواز تحولات آینده برویم و مبارزه برای تحولات بنیادی در جامعه و مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم را شدت بخشیم.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۲۶ تیرماه ۱۳۹۴